

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

شاعر: گرامی یاد "احمد شاملو"

فرستنده: احمد پوپل

۲۲ مارچ ۲۰۲۵

بیمار

بر سر این ماسه ها دراز زمانی است
کشتی فرسوده ای خموش نشسته ست
لیک نه فرسوده آن چنان که دگر هیچ
چشم امیدی به سوی آن نتوان بست

حوصله کردم بسی، که ماهیگیران
آیند از راه سوی کشتی معیوب:
پُتک ببینم که می فشارد با میخ
ارّه ببینم که می سراید با چوب

مانده به امید و انتظار که روزی
این به شن افتاده را برآب ببینم
شادی بینم به روی ساحل آباد
وین ز غم آباد را خراب ببینم

پاره ببینم سکوت مرگ به ساحل
کامده با خش و خش موج شتابان
همنفس و، زیـــــر کومه من بیمار
قصه نابود می سراید با آن...

پنجره را باز می کنم سوی دریا
هر سحر از شوق، تا ببینم هستند؟
مرغی پرمی کشد ز صخره هراسان
چله نشسته قرق به ساحل اگر چند،

با دل بیمار من عجیب امیدی است:
از قروق هوشیار و موج تکاپوی
بردولش پوزخنده ای ست ظفرمند،
وز سمج این قروق نمی رود از روی!

کرده چنانم امیدوار که دانم
روزی ازین پنجره نسیمک دریا
کلبه چوبین من بیاکند از بانگ
با تن بیمار بـــــرجهاند از جا

خم شوم از این دریچه شسته ز باران
قطره ای آویزدم به مژه ز شادی:
قطره ای آویزدم به مژه ز شادی:

بینم صیادهای بحر خزر را گرم به تعمیر عیب کشتی بادی

نعره ز دل برکشم ز شادی بسیار پنجره برهم زخم ز خود شده، مفتون
کفش نجویم دگر، برهنه سرو پای جست زخم از میان کلبه به بیرون!